

جاری در آینه

به یاد بیژن جزینی

عشق،

رودیست

در کرانه ی بی فاصله راکد و سرد
که آواز شکوفه های سرخس
از میان دهلیز فریادها

شتابان می گذرد.

دریا،

ترانه ایست

که با زوبین موجهایش
تفاخر بیمناک تیرگی را

در سکوت ساحل واژه ها
نشانه می رود.

خاطره، اما،

ابعاد ستایش خویش را

در آغوش بادهای گداخته سرزمین یأس

باز می یابد.

آه!

چه کس، غمناکه ی دیرین مرا

در این سفر سربی

به جرگه بی طالع چاووشان،
اشکاره،

آواز می دهد،

و زخم کهنسال بالهای کبوتران را

که از وحشت توفان

پرواز را ز خاطر برده اند

در خیال برهنه بهار

به چامه می خواند؟

یاران تنگستانی ام

از فراخای تندباد لحظه ها و حماسه ها

بر دپییم ناقوس مرگ پریش جارچیان و صورتگران
فرود می آیند

و ارتفاع خموشانه خنجر تشنگی را

بر پیکر خویش

پذیرا می شوند.

در بیکرانه افقها

آفتاب بود و آزمون

شط بود و شعله و سرود

که عشق را در عطش پرواز فاخته ها

به حسرت می خواست

و خاک را،

در رویش فروزان شبنم سیال سحرگاهان

تا الفاظ بیدار صخره ها را بر زخم تن

به انفجار کشاند.

بر پیراهن سپیده

سرخترین گل

که دشت را،

قاموس سبز رستن بود

و بهار را

خطابه ای

در رهگذر بلوغ فرداها.

م. وحیدی (م.صبح) عراق

سرگیجه ی پیش

از انتخاب

منصور امان

نخستین واکنش‌های
جمهوری اسلامی در برابر
بی نتیجه ماندن گفتگوهای
هسته ای خود با اتحادیه
اروپا، با تردید فراوان و
آشفته گی مشاهده پذیری
همراه بوده است. ناهمگونی
گفتاری رهبران و کارگزاران
رژیم ملاء، نشانه روشنی از
سردرگمی پیرامون چگونگی
برخورد با وضعیت پدید آمده
و همچنین ناتوانی از اتخاذ
سیاستی است که می باید
جهت گام‌های بعدی را
تعیین کند.

گفته های سخنگوی وزارت
امور خارجه ملاء در یک
کنفرانس مطبوعاتی را به
درستی می توان نمادی از
شدت سرگیجه ای دانست
که جمهوری اسلامی پس از
مانورهای گوناگون به گرد
خود، بدان دچار آمده است.
آقای اصفی اصرار می ورزد
که هنوز انتهای مذاکرات باز
است و برای توصیف آن
دست به دامان عبارات
مکرری همچون "معلوم
نبودن"، "نرسیدن به نتیجه
مشخص برای ارزیابی"،
"زود بودن برای قضاوت"،
"این طور یا آن طور نبودن
مذاکرات" و جز آن می
گردد.

آقای اصفی در حالی
سرسختانه بر روزه ی لفظی
شک دار خود پای می فشارد
که طرفهای خارجی ملاء،
دلایل اندکی برای تردید
پراگماتیستی جمهوری
اسلامی به جا گذاشته اند.
قطعه نامه ی پارلمان اروپا و
پیشنهادات اقتصادی ایالات
متحده، توپ را به گونه ی
ناگوار به زمین ملاء
پرتاب کرده و اینک نوبت
آنهاست که تصمیم بگیرند با
این همه چه خواهند کرد.
جای تردید نیست که دایره
انتخاب جمهوری اسلامی،
چندان گسترده نیست و این
شاید مهمترین عاملی باشد
که آقای اصفی را به فرو
بردن سر در شنزار خودفریبی
تشویق کرده است.

۲۴ اسفند ۸۳

بودجه حفظ عبا و عمامه

لیلا جدیدی

در واکنش به مذاکرات بی فرجام
هسته ای، رژیم جمهوری اسلامی
نمایش مضحک دیگری را به روی
اکران آورد. مجلس ارتجاع، بودجه
ویژه ای را برای سال ۱۳۸۴ جهت
مقابله با آمریکا اختصاص داد.
بودجه اختراعی مزبور که بیش از
همه به سوی جیب ملاء روان
خواهد شد، قرار است به هزینه
"کشف و خنثی کردن توطئه ها و
دخالتهای دولت آمریکا و همچنین
طرح دعای جمهوری اسلامی" و
چند مورد دیگر برسد. ناگفته نماند که
مبلغ قابل ملاحظه ای نیز به مصرف
جاسوسی در داخل و خارج برای
مقابله با "تهاجم فرهنگی آمریکا"
اختصاص داده شده است.

هنوز چند ساعتی از اعلام این خبر
که نشان از شکست رژیم در
مذاکرات اخیر دارد نگذشته بود که
سه عضو اصلی اتحادیه اروپا اعلام
کردند، در صورتی که جمهوری
اسلامی غنی سازی را از سر بگیرد،
ارجاع پرونده اش به شورای امنیت
تایید خواهد شد. سه کشور فرانسه،
آلمان و انگلیس در بیانیه ای به
اتحادیه اروپا اطلاع دادند: "هیچ
پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفته
است."

با در نظر گرفتن عوامل دیگری از
جمله تمدید تحریم اقتصادی آمریکا
از جانب بوش و درخواست او برای
تعیین تاریخ مشخص و قطعی جهت
فرستادن پرونده جمهوری اسلامی به
شورای امنیت و علایمی که بیانگر
نزدیک شدن اروپا با آمریکا می باشد،
اقدام اخیر جمهوری اسلامی را می
توان واکنش طبیعی از نوع آخوندی
به این مساله دانست.

رژیم ملاء تاکنون برای صرف
هزینه ی مقابله با آمریکا، به تصویب
مجلس نیازی نداشته است. باجهای
هنگفتی که در عراق پرداخت شد،
قراردادهای هنگفتی که برای خریدن
دوست این جا و آنجا بسته شد و
مخارج سنگین سفرها و خریدن آدم
در آمریکا و اروپا، هرگز در قالب هیچ
بودجه ای منظور نشده است.

این خاصه خرجی برنامه ریزی شده،
واکنشی به بحرانهای موجود و دست
زدن به بازی روانی دیگری است که
جهان نگران از دست یابی ملاء به
سلاح هسته ای را مخاطب قرار داده
است. تنها نتیجه این بازی، قرار
گرفتن زندگی و سرنوشت مردم ایران
در معرض تهدیدهای بیشتر است.

جشن چهارشنبه

سوری، فوران

خشم مردم

زینت میرهاشمی
علیرغم اطلاعیه روز دوشنبه
دادسرای عمومی تهران مبنی
بر سه ماه حبس و ۷۴ ضربه
شلاق برای کسانی که در این
روز اقدام به «اخلال نظم»
کنند، خیابانهای تهران و
شهرهای دیگر با آتش و ترقه
رنگین شد و فریادهای شادمانه
جوانان همچون پتکی بر پیکر
پوسیده جمهوری اسلامی وارد
آمد.

بر اساس منابع خبری دولتی،
تا کنون تعدادی از جوانان
بازداشت شده اند. ماموران رژیم
از ترس شادی مردم که مانند
باروت بنیاد ارتجاع را منفجر
می کند، تحت بهانه اخلال در
نظم عمومی، اقدام به
دستگیری و جلوگیری از
برگزاری مراسم توسط جوانان
در بعضی نقاط نمودند.

در اطلاعیه شورای ملی
مقاومت که بدین مناسبت در
روز سه شنبه ۲۵ اسفند منتشر
شده آمده است: «گزارشهای
رسیده از شهرهای مشهد،
تبریز، اصفهان، شیراز، رشت،
لاهیجان، همدان، اراک،
سنندج، بابل، بوکان، سقز،
مهاباد، بانه و دیگر شهرهای
ایران، حاکیست که مردم با
برپایی مراسم جشن چهارشنبه
سوری، به رویارویی با
ممنوعیت رژیم برخاستند و در
حال برگزاری این مراسم ملی و
پریدن از روی آتش شعارهای
اعتراضی و ضد حکومتی
سردادند. در بسیاری از شهرها
بین مردم و نیروهای سرکوبگر
رژیم درگیریهای گسترده روی
داد.»

مقاومت جوانان در رویارویی با
ماموران و برگزاری مراسم آتش
سوزی، بار دیگر مهر بیهوده
بودن اطلاعیه های دادسرای
تهران برای ایجاد رعب و
وحشت را ثابت می کند.

شادمانی جوانان و مردم بار
دیگر کام ملاءهای حاکم را
مانند زهر تلخ نمود.

۲۶ اسفند